

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

این آخرین پیغام خدا به بشریت است. همه پیامبران خدا به عرصه این جهان خاکی پا نهاده اند، و همه کتابهای آسمانی را تحویل داده اند. اینک زمان آن فرا رسیده که همه پیام های پیامبران، پس از پاکسازی از غبار زوائدی که بر آن نشسته، یکی شوند، و بصورت یک پیام واحد درآیند و اعلام شود که از این پس، تنها یک دین مورد قبول خداست، و آن "دین تسلیم" است (۱۹، ۸۵ : ۳). "دین تسلیم" دینی است که در آن به مقام قدوسی خدا و قدرت بی چون و چرای او اعتراف می کنیم، و عمیقاً اعتقاد پیدا می کنیم که تمام قدرت ها فقط از آن خداست و هیچ موجودی دارای قدرتی که بتواند مستقلاً عمل کند نیست. هرگاه کسی این مطلب را درک کند، طبیعی است که زندگی خود و تمام عبادات خود را فقط به خدا اختصاص می دهد. این نخستین و مهمترین فرمان همه کتابهای آسمانی است: عهد عتیق [تورات]، عهد جدید [انجیل]، عهد نهایی [قرآن] .

بشنو، ای اسرائیل! خدا، که پروردگار ماست، یگانه و یکتاست!

بنابراین با تمام قلب خود،

با تمام روح خود،

با تمام فکر خود،

و با تمام نیرو و توان خود

خدا را، که پروردگار تست، عبادت کن.

[سفر تثنیه، فصل ۶ از ۴ تا ۵ ; انجیل لوقا، فصل ۱۲ از ۲۹ تا ۳۰ ; قرآن سوره ۳، آیه ۱۸]

بباید به ذکر خدا پردازیم، و با صفات با شکوهش از او یاد کنیم،

آنکس که در مقام آفریدگار همه چیز را در این جهان پایه گذارد،

آنکس که عبادت زبیده اوست، چرا که در همه جا حاضر، بر همه چیز دانا، و بر همه کار تواناست

و وجودی است واجب الوجود و هشیار،

که جهالت و ناپاکی را از فکر می زداید

و قوه ادراک ما را پاکیزه و هوشیار می کند.

[گایاتری مانترا، یاجورودا]

گرچه تمام ادیان بوسیله بدعت ها، سنت ها، و مرام های دروغین و شرک آمیز تحریف شده اند، ولی هنوز هم از هر دینی، کسانی پیدا می شوند که از "تسلیم شدگان" باشند. حال ممکن است که این تسلیم شدگان، مسیحی، یهودی، مسلمان، هندو، بودایی، و یا هر چیز دیگر باشند. همه این تسلیم شدگان، جملگی، عضو یک دین واحد هستند — که تنها دین مورد قبول خداست. همانطور که در برگ نخست این کتاب تأکید شد، تمام تسلیم شدگانی که از هر لحاظ فقط مخلص خدا هستند، و هیچ کس را تحت هیچ اسم یا عنوانی با او شریک یا سهیم نکنند، مورد بخشایش قرار می گیرند و به قلمرو جاوید خدا راه پیدا می کنند (۲:۶۲). صفت مشخصه تسلیم شدگان واقعی آن است که چیزی در قرآن نیست که آنها بدان اعتراض داشته باشند.

با ظهور قرآن، که آخرین کتاب آسمانی است، پیغام خدا بر جهانیان کامل شد. اینک ما پاسخ مهمترین سوالات خود را که مدت ها منتظر آن بوده ایم، دریافت کرده ایم — ما که هستیم؟ هدف از زندگی ما چیست؟ اصلاً چطور شد که به این دنیا آمدیم؟ از اینجا به کجا خواهیم رفت؟ کدامین دین، راستین است؟ آیا تکامل بود یا خلقت؟ و سایر پرسش ها.

برخی از مردم ممکن است در شگفت شوند که: "چرا خدا برای تکمیل، و یگانگی بخشیدن به پیامش، اینهمه درنگ کرد؟ تکلیف کسانی که از زمان آدم تا امروز کتاب آسمانی را بشکل پایان یافته اش نداشتند، چیست؟" با توجه به اینکه قرآن به این پرسش پاسخ می دهد (۲۰:۵۲)، آمار نیز بسادگی نشان میدهد که جمعیت جهان از آغاز دنیا تا به امروز از مرز ۷,۰۰۰,۰۰۰ فراتر نرفته است. تخمین زده می شود که جمعیت جهان از هم اکنون تا پایان دنیا، در سال ۲۲۸۰ میلادی (پیوست ۲۵)، از مرز ۷۵,۰۰۰,۰۰۰ فراتر خواهد رفت. پس، مقرر شده است که اکثریت گسترده ای از مردم پیام واحد و خالص خدا را دریافت کنند (به نمودار زیر دقت کنید).

جمعیت مردم جهان از امروز (سال ۱۹۹۰) تا پایان دنیا (در سال ۲۲۸۰ میلادی) .

[بخش سیاه این نمودار، شاخص جمعیت جهان از زمان آدم تا سال ۱۹۹۰ میلادی است]

پیش از پیدایش

همه چیز از میلیاردها سال پیش، که یکی از مخلوقات رده بالای خدا به خود بزرگ بینی دچار شد، آغاز شد. او شیطان نام داشت و خیال می کرد که خود نیز می تواند مانند خدا قلمروی داشته باشد و مستقلاً آنجا را اداره کند. به چالش آوردن مقام قدوسی خدا، نه تنها کفرآمیز بود، بلکه از اساس غلط، و عملاً غیرممکن بود. شیطان از این حقیقت غافل بود که فقط خداست که می تواند خدایی کند، و مقام الوهیت بسی فراتر از توان و تصور اوست. اینگونه مَنم زدن- خود بزرگ بینی همراه با جهالت- بود که باعث شد شیطان تصور کند که می تواند قلمروی در اختیار داشته باشد و آنرا مانند خدا عاری از بیماری، فلاکت، جنگ، سوانح، هرج و مرج، آشوب، و... اداره کند. اکثریت گسترده ای از مخلوقات با شیطان مخالفت کردند. با اینحال، اقلیت بسیار ناچیزی از مخلوقات که نفس گرا بودند، و تعدادشان به چند میلیارد می رسید، با شدت و ضعف گوناگون، از شیطان هواداری کردند. از اینرو، مجادله سختی در ملکوت اعلی درگرفت و بلوایی پیاپی شد (۳۸:۶۹). این عصیان ناموجه، و به چالش آوردن مقام قدوسی خدا به بهترین نحو پاسخ داده شد و با مؤثرترین شیوه چاره جویی شد. پس از آنکه به عصیانگران بقدر کافی مهلت داده شد که به گناه سنگین خود اعتراف کنند و تسلیم خدا شوند، خدا بر آن شد که عصیانگران سرسخت را در سفینه ای بنام زمین تبعید کند. و فرصتی دیگر به ایشان بدهد تا خود را رستگار کنند.

اگر شما ادعا داشته باشید که می توانید هواپیمایی را به پرواز درآورید، بهترین راه برای پی بردن به درستی این ادعا آن است که هواپیمایی را در اختیار شما بگذارند، و از شما بخواهند که آنرا هدایت کنید. وقتی شیطان ادعا کرد که خود نیز می تواند خدایی کند، خدا در پاسخ به ادعای او همین کار را کرد. خدا او را به خدایی در قلمروی بس خُرد و ناچیز بنام زمین برگمارد (۳۶:۶۰؛ ۲:۳۰). در ضمن، به آنهایی که طرف شیطان را گرفتند فرصتی داد تا نفس سرکش را در خود بکشند، و در تصمیم شان تجدید نظر کنند و اعتراف کنند که مقام قدوسی از آن خداست. گرچه، اکثریت گسترده ای از مخلوقات گناهکار از این فرصت بهره گرفتند و توبه کردند، اقلیت ناچیزی از ایشان - چیزی در حدود ۱۵۰ میلیارد مخلوق - این فرصت طلایی را از دست دادند (۳۳:۷۲).

این بخش سفید، نمودار کل مخلوقاتی است که از همان اول با شیطان به مخالفت برخاستند.

این بخش خاکستری، نمودار اکثریت گسترده ای است که توبه کردند و تسلیم شدند.

به دنبال مجادله ای که در ملکوت اعلی رخ داد، تمام مخلوقات خدا به چهار دسته طبقه بندی شدند که هر دسته دسته دیگر فرق دارد:

(۱) فرشتگان

در این طبقه بندی، مخلوقاتی که هرگز مقام قدوسی خدا را مورد سوال قرار ندادند "فرشته" نام گرفتند. آنها می دانستند که فقط خداست که توانایی و شایستگی خداوندی را دارد. تعداد بیشماری از مخلوقات که در اکثریت هستند - از همین طبقه می باشند. تعداد فرشتگان بقدری زیاد است که حتی خودشان هم تعداد خود را نمی دانند؛ فقط خداست که تعداد آنان را می داند (۷۴:۳۱).

(۲) حیوانات

گرچه فرشتگان پیشنهاد کردند که تمام عصیانگران همراه با رهبرشان از درگاه خدا تبعید شوند (۲:۳۰)، ولی خدای مهربان اراده کرد که فرصتی دوباره به عصیانگران بدهد تا آنها به گناه خود اعتراف کنند، توبه کنند، و در برابر مقام قدوسی خدا تسلیم شوند (۳۳:۷۲). همانطور که در نمودار بالا نشان داده شده است، اکثریت گسترده ای از عصیانگران از این فرصت استفاده کردند و پیشنهاد سرشار از رحمت خدا را برای بازگشت به قلمرو الهی پذیرفتند. آنها قبول کردند که نفس سرکش را در خود بکشند، و برای جبران گناهی که از آنها سر زده بود، به این دنیا بیایند و نقش تسلیم گرایانه شان را ایفا کنند. توبه آنها به پاس نقش تسلیم گرایانه ای که در این دنیا ایفا می کنند پذیرفته می شود، و آنها به قلمرو جاودان خدا بازمی گردند (۶:۳۸). اسب، سگ، درخت، خورشید، ماه، ستارگان، بچه های ناقص الخلقه و عقب افتاده، همه از موجودات هوشمندی هستند که به گناه خود اعتراف کردند و توبه کردند:

آیا در نمی یابی که
آنچه در آسمانها و زمین است،
خورشید، ماه، ستارگان، کوه ها، درختان، حیوانات،
و بسیاری از مردم
به خدا سجد می کنند؟
گرچه، بسیاری از مردم به فنا محکوم اند.

(۲۲:۱۸)

ستارگان و درختان سجد می کنند.

(۵۵:۶)

اسب نفس سرکش ندارد. صاحب اسب چه ثروتمند باشد یا فقیر، بلند قد یا کوتاه قد، چاق یا لاغر، جوان یا پیر، در هر صورت اسب در خدمت اوست. سگ نفس سرکش ندارد؛ برای او اهمیتی ندارد که صاحبش ثروتمند باشد یا تهیدست، در هر صورت دُمش را برای او تکان می دهد. خورشید هر روز در وقت معینی که خدا مقرر کرده است، طلوع و غروب می کند. ماه در مدار خود به دور زمین حرکت می کند و هرگز انحراف نمی ورزد. بدن انسان - این لباس موقت - به زمین تعلق دارد؛ در نتیجه، بدن ما موجودی تسلیم شده است. قلب، ریه ها، کلیه ها، و سایر اعضای بدن وظایف خود را بدون کنترل ما انجام می دهند.

(۳) انسان ها

عصیانگران سرسخت - آدم ها و جن ها - از اعتراف به گناه خود امتناع ورزیدند و خواستند نمونه ای از قدرتمندی شیطان را ببینند. این مخلوقات نفس گرا که تسلیم مقام قدوسی خدا نشدند، و از فرصتی که به ایشان داده شد استفاده نکردند، به دو گروه تقسیم شدند. آن نیمه ای که کمتر تحت تأثیر نقطه نظر شیطان بود، "آدم" نام گرفت. گرچه آنها با دیده تردید به ادعای شیطان نگریستند، ولی نتوانستند در حمایت از مقام قدوسی خدا قاطعانه واکنش نشان دهند. نفس سرکش است که مانع از این شد که این مخلوقات نسبت به مقام قدوسی خدا ناسپاس باشند. نفس سرکش است که وقتی فرصتی برای تسلیم به آنها داده شد، مانع از آن شد که آنها تسلیم شوند (۳۳:۷۲)، و باز هم نفس سرکش است که مانع از بازگشت ما به قلمرو خداست (۲۵:۴۳). به همین دلیل است که "گشتن هوای نفس" از نخستین فرمان های قرآن است (۲:۵۴).

(۴) جن ها

نیمی دیگر از مخلوقات گناهکار، آنهایی که بیش از همه به نقطه نظر شیطان گرایش داشتند و شدیدترین نفس سرکش را از خود بروز دادند تحت عنوان "جن" طبقه بندی شدند. تدبیر خدا چنین بود که برای هر انسانی از لحظه تولد تا مرگ، یک جن تعیین کند. جن همزاد، نماینده شیطان است و همواره مشوق مرام های شیطانی است (۲۷-۲۳:۵۰). به جن ها و آدم ها، فرصتی گرانبها در این دنیا داده شد تا همه چیز را دوباره مطالعه کنند، نفس سرکش را در خود محکوم کنند، و با تسلیم شدن به مقام قدوسی خدا، مورد بخشایش قرار گیرند. هرگاه انسانی به دنیا می آید، یک جن نیز همراه او به دنیا می آید که همزاد اوست. قرآن به ما می آموزد که جن ها از نسل شیطان هستند (۱۸:۵۰؛ ۷:۲۷). هر جنی که همراه یک انسان متولد می شود، تا لحظه مرگ او، دائماً همنشین وی خواهد بود. سپس، هنگامی که انسان می میرد، جن او آزاد می شود و چندین قرن به زندگی ادامه می دهد. به جن و انس فرمان داده شده است که از عبادات شرک آمیز اکیداً بر حذر باشند و هرگونه عبادت یا پرستشی را فقط برای خدا انجام دهند (۵۱:۵۶).

خدا آدم ماشینی نمی خواهد

مجادله ای که در ملکوت اعلی رخ داد، همانطور که در (۳۸:۶۹) بیان شده، و در بالا نیز گفته شد، نشانگر آن است که تمام مخلوقات خدا از اصل آزادی انتخاب بهره مند بوده و هستند؛ همه دارای اندیشه و آزادی انتخابند. با اینکه همه از آزادی انتخاب برخوردار بودند، فقط عده بسیار کمی از مخلوقات عصیان کردند، و همین نشان می دهد که اکثر مخلوقات که یگانه پرست هستند از روی جبر یگانه پرست نشدند بلکه به پاس شکوه و بزرگی بی پایان خدا، به اختیار خود یگانه پرستی را انتخاب کردند. بدون این عصیان هرگز نمی توانستیم دریابیم که آزادی (انتخاب) هدیه ای است از جانب خدا که او آنرا به تمام مخلوقات خود اهدا کرده است.

الرحمن الرحیم

حتی در این دنیا، هر سازمان، یا شرکتی انتظار دارد که کارمندانش بدان وفادار باشند و به سود آن کار کنند. اگر کارمندی کاملاً در اختیار سازمانی نباشد، یا نشان دهد که چنانکه باید و شاید، وفادار نیست، بی درنگ اخراج می شود. از آنجا که آدمیان و جن ها جانب شیطان را گرفتند، و سپس پیشنهاد خدا را برای تجدید نظر در حرکت عصیانگرانه خود رد کردند، فرشتگان انتظار داشتند که شیطان و هواخواهانش از درگاه خدا تبعید شوند (۳۰: ۲). ولی خدا از رحمت بیکران خود مهلتی دیگر به ما داد تا به گناه خود اعتراف کنیم و خود را از شر نفس سرکش آزاد کنیم.

و خدا، مرگ را برای اجرای این برنامه نجات بخش آفرید (۲- ۱: ۶۷). تدبیر الهی ایجاب می کرد که نوعی دیگر از هستی، در مکانی دیگر به عصیانگران داده شود تا هیچ خاطره ای از نزاع در ملکوت اعلی بیاد نیاورند. آدم ها و جن ها، تحت موقعیت های گوناگون این دنیا، پیام های خدا و پیام های شیطان را دریافت می کنند، سپس در نهایت آزادی یکی از آن دو را برمی گزینند. آنگاه طبق تصمیمی که خودشان در نهایت آزادی اتخاذ کرده اند، یا بخشوده می شوند و به قلمرو خداوندی بازمی گردند، و یا برای همیشه همراه شیطان در تبعیدگاه بسر می برند.

قلمرو موقت شیطان

خدا جهانی را که پهنای آن میلیاردها سال نوری است با میلیاردها کهکشان و یک بیلیون تریلیون ستاره آفرید تا نشان دهد که محلی را که برای سلطنت شیطان تعیین کرده یعنی زمین تا چه اندازه ناچیز است. اگر با سرعت نور (۹۳۰۰۰,۰۰۰ مایل)* به سوی خورشید سفر کنیم، در هشت دقیقه به آن می‌رسیم. اگر به این سفر ادامه دهیم، پس از ۵۰ تا ۷۰ هزار سال نوری می‌توانیم به مرز راه شیری برسیم؛ راه شیری نام همین کهکشانی است که در آن هستیم و منظومه شمسی بخش ناچیزی از آن است. ۲۰۰۰,۰۰۰ سال نوری وقت لازم است تا بتوانیم به نزدیکترین کهکشانی که همسایه ماست برسیم. و حداقل ۲۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ کهکشان در "جهان ما" وجود دارد. اگر از مرز کهکشان خود، با قوی‌ترین تلسکوپ‌ها نگاه کنیم، زمین که بماند، حتی کهکشانی که ما در آن هستیم غیرقابل رؤیت است. لیک گویی این جهان ما از دید خدا به اندازه کافی پهناور نبود که شش جهان دیگر را نیز آفرید، که هر یک بزرگتر از دیگری است و جهانی را که ما در آن هستیم احاطه می‌کنند (۲:۲۹) (۳:۶۷). سپس خدا به شیطان گفت که ذره‌ای بس خرد و ناچیز - بنام زمین - واقع در کوچکترین و دور افتاده‌ترین بخش از هفت جهان، قلمرو موقتی او خواهد بود. تدبیر الهی ایجاب می‌کرد که انس و جن در جهانی باشند که از نظر فیزیکی تحمل حضور خدا را نداشته باشد (۷:۱۴۳). از اینرو، شیطان قلمرو ناچیزش را - دور از حضور فیزیکی خدا - اداره می‌کند، گو اینکه خدا از همه چیز بخوبی آگاه است، و بر تمام امور مسلط است. باید توجه داشت که تعداد عصیانگرانی که توبه کردند بقدری زیاد بود، که زمین نمی‌توانست همه را در خود جای دهد. واقعیت این است، که تعداد حیوانات بسی بیش از تعداد انسانهایی است که در این سیاره هستند. جای دادن تمام عصیانگرانی که توبه کردند در یک زمین، این سیاره را به مکانی غیرقابل کنترل تبدیل می‌کرد. از اینرو، تعداد بیشماری از مخلوقات در فضا جای داده شده‌اند.

آدم و حوا

فرشتگان خدا کالبد اولین انسان را طبق دستورالعمل خدا در زمین نگارگری کردند (۷:۱۱). سپس، خدا اولین شخص، یعنی آدم را، برای آن کالبد تعیین کرد. وقتی خدا به فرشتگان خبر داد که در طول دوره آزمایش به آدم خدمت خواهند کرد - خدماتی از قبیل نگاهبانی از آنها، هدایت بادها، پخش باران و پخش رزق و روزی، و غیره - شیطان تنها کسی بود که از "سجده کردن" امتناع ورزید (۳۸:۷۴ ; ۱۵:۳۱ ; ۲:۳۴).

جفت آدم از راه تقسیم سلولی، با خصلت و سیمای مؤنث، از آدم پدید آمد. و خدا دومین شخص را برای کالبد او تعیین کرد. مادام که بدن خالی (بدون روح) آدم و حوا در زمین بود، روحشان که شخص حقیقی است، در بهشت اقامت داشت. آدم و حوا تا زمانی که به فرمان خدا گوش می‌دادند در بهشت ماندند. اما همینکه بجای خدا، به شیطان گوش دادند، طبع اخلاص گرانسانی را که در نهاد همه ما نهفته است منعکس کردند، و بی‌درنگ به قلمرو شیطان در زمین تعلق پیدا کردند - "بدنهای آنها برایشان نمایان شد" (۲۰:۱۲۱) (۷:۲۰). بقیه ماجرا، سلسله وقایع تاریخ است.

* برابر با ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ کیلومتر

شیطان، پدر تمام جن ها

برای آزمودن جن و انس لازم بود که هرگاه انسانی متولد می شود، شیطان نیز تولید مثل کند. همانطور که در بالا نیز گفته شد، هرگاه که انسانی زاده می شود، یک جن نیز همراهش زاده می شود تا بعنوان همزاد وی همیشه با او باشد. در نتیجه، هر انسانی پیوسته در معرض تحریکات نماینده شیطان است که از بدو تولد تا مرگ، با او در همان کالبد زندگی می کند. نماینده شیطان سعی می کند که دیدگاه شیطان را به همزاد انس خود بقبولاند: که خدا به تنهایی کافی نیست. روز قیامت، جنی که همزاد انسان است بعنوان شاهد، علیه قرین خود [یعنی علیه انسانی که با او متولد شده] شهادت خواهد داد (۲۷، ۲۳: ۵۰) (۴۳: ۳۸). بسیاری از انسان ها باعث می شوند که جن همزادشان به اعتقادات توحیدی بازگردند.

خدا انسان را بدون آمادگی رها نکرد. او برای کمک به انسانها در آخرین فرصتی که برای تجدید نظر در کفر به ایشان داده، هر کس را با علم به اینکه جز خدا کسی مولا و سرورش نیست به این جهان می آورد (۱۷۳- ۱۷۲: ۷). این دانش غریزی به جن ها داده نشده، ولی در عوض طول عمری بس درازتر، و تواناییهایی بس گسترده تر به آنان داده شده است تا بتوانند نشانه های خدا را در پایین ترین جهان بررسی و مطالعه کنند. از آنجا که جن ها، دیدگاه شیطان را ترغیب می کنند، ذاتاً به شرک و چند خدایی گرایش دارند. ولی ما آدمیان، علاوه بر گزینه توحیدی که خدا برای کمک به ما در سرشت ما قرار داده، رسولانی نیز نزد ما می فرستد تا هر چه بیشتر به ما کمک کرده باشد. اینک که لب مطلب را فهمیدیم، باید قدر واقعیتی را که اکنون بر ما معلوم شده بدانیم که تنها گناه نابخشودنی - اگر تا مرگ ادامه یابد - شرک است: اعتقاد به اینکه کسی جز خدا صاحب قدرتی است.

چهل سال مهلت الهی

به انسان چهل سال مهلت داده شده است که مطالعه کند، پیرامون خود را بنگرد، ببیند، و همه نقطه نظر ها را بررسی کند، بسنجد، و بالاخره تصمیم آخرش را بگیرد - که می خواهد نقطه نظر شیطان را دنبال کند، یا در برابر مقام قدوسی خدا سر تسلیم فرود آورد. هرکس قبل از چهل سالگی از دنیا برود، بنا بر دلایلی که فقط خدا می داند، برای آمرزش انتخاب شده است. بنابراین، هرکس پیش از رسیدن به چهل سالگی بمیرد به بهشت خواهد رفت (۱۵: ۴۶ و پیوست ۳۲). رحمت بیکران خدا از همین جا معلوم می شود که حتی برای کسانی که به قرآن ایمان دارند، پذیرش این حکم سرشار از رحمت خدا بسیار دشوار است.

رسولان خدا که با نشانه های شگفت انگیز از سوی خدا پشتیبانی می شوند، به ما مژده داده اند که خدا فقط یک مهلت دیگر به انسان داده است تا بتواند به قلمرو الهی بازگردد. هنگامی که موسی نزد فرعون رفت، خدا او را با این معجزه که چوبدستی اش به اژدها تبدیل شد مورد حمایت قرار داد. عیسی از گل چیزی بشکل پرنده درست می کرد که به اذن خدا به پرنده ای زنده تبدیل می شد، جذامی و کور را به اذن خدا شفا می داد، و مرده را به اذن خدا زنده می کرد. محمد، پیامبر خدا، رسولی که آخرین کتاب آسمانی را آورد، معجزه ای به سبک معجزاتی که گفته شد آشکار نکرد (۲۰: ۱۰). قرآن، خود، معجزه ای بود که رسالت محمد را تأیید می کرد (۵۱، ۵۰: ۲۹). حکمت الهی بر آن قرار گرفت که میان محمد و معجزه قرآن چهارده قرن فاصله افتد. اینک که به ابعاد عظیم و تمام نشدنی معجزه ریاضی قرآن پی برده ایم (پیوست ۱)، متوجه می شویم که اگر این معجزه هم از طریق محمد آشکار می شد، میلیونها نفر او را بعنوان خدایی که در قالب یک انسان حلول کرده می پرستیدند.

حُجَّت اصل بودن قرآن:

قابل رؤیت، قابل لمس، انکار ناپذیر

با ظهور عصر کامپیوتر، پی برده ایم که کد ریاضی قرآن، همانگونه که در (۳۵- ۷۴:۳۰) گفته شده، "یکی از معجزات بزرگ" است. معجزاتی که به رسولان پیشین داده شد از نظر زمانی و مکانی محدود بودند، در صورتی که معجزه قرآن همیشگی است. فقط تعداد کمی از مردم شاهد معجزات موسی و عیسی بودند، ولی معجزه قرآن را هر کس می تواند در هر لحظه از زمان و در هر نقطه از جهان مشاهده کند. از این گذشته، معجزه قرآن گواه بر درستی معجزات پیشین است (۵:۴۸).

همانطور که در پیوست ۱ گزارش شد، معجزه ریاضی قرآن بر پایه عدد "۱۹" استوار است. در این ترجمه، واژه "خدا" (الله)، با حروف درشت تر و پر رنگتر به چاپ رسیده تا خوانندگان ضمن مطالعه قرآن، در جریان نمونه ای از این معجزه مبهوت کننده قرار گیرند. عددی که در گوشه سمت راست، در پایین هر صفحه می بینید، نشان می دهد که از نخستین صفحه تا پایان آن صفحه چند واژه "الله" وجود دارد. در پایان می توان مشاهده کرد که مهمترین کلمه قرآن یعنی "الله"، ۲۶۹۸ بار بازگو شده است. این عدد ضرب صحیحی از ۱۹ است. بعلاوه، از حاصل جمع شماره آیه هایی که واژه "الله" در آنها آمده، عدد ۱۱۸۱۲۳ بدست می آید که آن نیز ضرب صحیحی از ۱۹ است (۱۹ × ۶۲۱۷). در گوشه سمت چپ، در پایین هر صفحه، حاصل جمع شماره آیه هایی که واژه "الله" در آنها آمده نوشته شده، که حاصل جمع هر صفحه با صفحات قبل جمع شده است. هر کس بسادگی می تواند این حقایق قابل رؤیت و ساده را بررسی کند، و همین به تنهایی ثابت می کند که هوشی بسیار برتر از هوش بشر طراح این ساختار ریاضی در قرآن بوده است.

تعداد واژه "الله" از آغاز تا پایان صفحه در گوشه سمت راست، در پایین هر صفحه نوشته شده است ۲۶۹۸ (۱۹ × ۱۴۲)	حاصل جمع شماره آیاتی که واژه "الله" در آنها آمده در گوشه سمت چپ، در پایین هر صفحه نوشته شده است ۱۱۸۱۲۳ (۱۹ × ۶۲۱۷)
--	--

شواهدی دال بر اصالت که خواننده می تواند درستی آنها را بررسی کند

علاوه بر ساختار خارق العاده ریاضی در قرآن، واقعیت های بزرگ دیگری نیز در این کتاب آسمانی وجود دارد که علم امروز، یا بصورت حقایق علمی آنها را مورد تأیید قرار داده، یا بصورت فرضیه. اینک به چند نمونه از این اطلاعات پیشرفته می پردازیم:

۱. زمین تخم مرغی شکل است (۷۹:۳۰) (۳۹:۵).
۲. زمین ساکن نیست؛ بلکه مُدام در گردش است (۲۷:۸۸).
۳. خورشید منبع نور است، و ماه منعکس کننده نور خورشید (۷۱:۱۶) (۲۵:۶۱) (۱۰:۵).
۴. هر چه به سوی آسمان بالا رویم، درصد اکسیژن در هوا کاهش می یابد (۶:۱۲۵).
۵. فرضیه "انفجار بزرگ" تأیید شده است (۲۱:۳۰).
۶. فرضیه "گسترش کائنات" تأیید شده است (۵۱:۴۷).
۷. جهان، از یک توده گاز آغاز شد (۴۱:۱۱).
۸. تکامل، یک واقعیت است؛ و عبارت است از مراحلی که خدا آنرا در هر گروه از موجودات هدایت میکند (۷۱:۱۳-۱۴) (۳۲:۷-۹) (۲۴:۴۵) (۲۱:۳۰) (۱۸:۳۷) (۲۹-۱۵:۲۸) (۷:۱۱) و پیوست ۳۱.
۹. جنسیت فرزند را اسپرم مرد تعیین می کند (۵۳:۴۵-۴۶).

دور از هرگونه کلام غیرمنطقی

این خود معجزه ای شگرف است که هیچ سخن غیرمنطقی در قرآن وجود ندارد. این نکته، خصوصاً با در نظر گرفتن میزان جهل و خرافاتی که در زمان نزول قرآن وجود داشت، بسیار مهم است. برای مثال، یکی از مفسران معتبر نزد مسلمانان سنت گرا، ابن کثیر است. در یکی از تفسیرهای مشهور او که قرن ها پس از زمان پیامبر نوشته شده، می خوانیم که زمین بروی شاخ های گاو عظیم الجثه ای قرار دارد و این گاو با ۴۰,۰۰۰ شاخ بر پشت نهنگی گول آسا ایستاده است (تفسیر ابن کثیر درباره آیه اول سوره ۶۸). همین اواخر، در سال ۱۹۷۵ میلادی، در سرزمینی که قرآن در آنجا نازل شد، شیخ عبدالعزیز بن باز، رئیس دانشگاه اسلامی مدینه، در عربستان سعودی، اعلام کرد که زمین مسطح است، و هیچ حرکتی ندارد. (به بخشی از کتاب او در کادر زیر نگاه کنید)!!

الأدلة النقلية والحسية
على جريان الشمس وسكون الأرض

من مطبوعات الجامعة الإسلامية

بالمدينة المنورة ۱۳۹۵ هـ

عبدالعزیز بن باز

ولو كانت الارض تدور كما

يزعمون لكانت البلدان، والجبال، والأشجار، والأنهار، والبحار

لا قرار لها، ولشاهد الناس البلدان المغربية في المشرق، والمشرقية في المغرب،
ولتغيرت القبلة على الناس حتى لا يقرؤها قرار.

ترجمه کتاب بن باز، صفحه ۲۳: اگر همانگونه که ادعا می کنند، کره زمین می چرخید، دیگر هیچ سرزمین، کوه، درخت، رود، و یا دریایی بر جای خود استوار نبود. آنگاه مردم مشرق زمین، سرزمین های غرب را می دیدند، و مردم مغرب زمین، مردم شرق را.

خوشبختی همه جانبه: اکنون و برای همیشه

رسیدن به شادی و خوشبختی یکی از آرمان های اصلی هر انسانی است. قرآن راز دست یافتن به خوشبختی در دنیا و آخرت را برای ما فاش می کند. از قرآن می آموزیم که "خوشبختی" فقط به روح آدمی بستگی دارد. به همین دلیل، کالبدی که از نظر مادی به ایده آل خود - مانند پول، قدرت، شهرت، و غیره - دست می یابد، غالباً به انسانی تعلق دارد که از شادی بی بهره است. باری، خوشبختی فقط به درجه تکامل و وسعت روح، که شخص واقعی است، بستگی دارد. قرآن راهنمای کاملی است که روح و جسم می توانند بوسیله آن در دنیا و آخرت به خوشبختی کامل برسند (پیوست ۱۵).

در بسیاری از آیات این کتاب سراپا مُستدل، خدا خودش خوشبختی مومنان را در این دنیا و نیز برای همیشه تضمین می کند:

بیگمان بر یاران خدا بیمی نخواهد بود،
و اندوهگین نخواهند شد.

آنان کسانی هستند که ایمان آورده اند و

زندگی درست و با تقوایی را دنبال می کنند.

شادی و خوشبختی، هم در این دنیا از برای آنان است و هم در آخرت.

این قانون تغییرناپذیر خداست.

این همان پیروزی حقیقی است.

[۶۴ - ۶۲: ۱۰]

تمام مومنان اعضای یک دین واحد هستند که تنها دین قابل قبول خداست

همانطور که از آخرین پیام آفریدگار انتظار می رود، یکی از موضوعات برجسته قرآن این است که همه مومنان را به وحدت فرا می خواند، و آنان را از هرگونه تبعیض میان رسولان خدا اکیداً منع می کند. اگر هدف از عبادت برای همه یکی باشد، وحدت میان مومنان حکمفرما خواهد شد. ولی تعصب نشان دادن و اظهار عبد و سرسپردگی کردن نسبت به انسانهای ناتوانی از قبیل عیسی، محمد، امامان و غیره عاملی است که باعث تفرقه، نفرت، و جنگ های تلخ میان مومنانی است که به گمراهی افتاده اند.

یک مومن هدایت یافته فقط به خدا اخلاص می ورزد و جز در برابر او اظهار عبد و سرسپردگی نمی کند، و از اینکه ببیند سایر مومنان خدا را موحدانه عبادت می کنند شاد می شود، و برایش مهم نیست که آن مومن، دین خود را به چه نامی بخواند.

بیگمان، آنان که ایمان آوردند،

آنان که یهودی هستند،

مسیحیان،

تازه به دین گرویدگان؛

هرکس که

(۱) به خدا ایمان داشته باشد،

(۲) به روز بازپسین ایمان داشته باشد، و

(۳) درستکار باشد،

پاداش خود را از جانب پروردگار خود دریافت خواهد کرد؛

ایشان نه از چیزی بترسند، و نه اندوهگین خواهند شد.

[۲:۶۲ ; ۵:۶۹]

رسول میثاق خدا

همانطور که در پیوست ۲ گزارش شده، چاپ این کتاب، نشانه ظهور یک عصر نوین است؛ عصری که در آن پیام های خدا، که توسط پیامبران رسانیده شده است، بصورت یک پیام واحد استوار می شوند. یگانه دین خدا تسلیم است که بر سایر ادیان چیره خواهد شد (۶۱:۹)(۴۸:۲۸)(۹:۳۳). ادیان تباه شده کنونی، از یهودیت و مسیحیت گرفته تا هندوگرایی، بودایی گری، زرتشتی، و اسلام از صحنه روزگار ناپدید خواهند شد و "دین تسلیم" چیره خواهد شد. این رؤیای خام یک نفر یا گروهی از مردم نیست؛ این فرمان خداست که هرگز نقض نمی شود (۱: ۱۱۰) (۶۱:۹) (۴۸:۲۸) (۴۱:۵۳) (۹:۳۳) (۳:۱۹).

رشاد خلیفه

توسان

۲۶ رمضان ۱۴۰۹ *

* آخرین اوراق این ترجمه در شب قدر سال ۱۴۰۹ هجری تکمیل شد. اگر شماره روز، ماه، و سال این تاریخ را با هم جمع کنیم، ۱۴۴۴، یا (۴ × ۱۹ × ۱۹) بدست می آید:
[۱۴۴۴ = ۹ + ۲۶ + ۱۴۰۹ : سال ۱۴۰۹، روز ۲۶، ماه رمضان.]